

پیشنهاد استفاده از الگوی ساقه‌ای در بررسی توسعه ادواری و فرسودگی بافت‌های شهری^۱

فریبرز یدالهی^۲

دانش‌آموخته دکتری شهرسازی، دانشکده هنر، آکادمی علوم ارمنستان

مختار یوردخانی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، سمنان، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

چکیده

در کنار نظریه‌های متعدد ساخت شهر که نحوه رشد و توسعه شهر در ادوار مختلف را بررسی می‌نمایند، تعیین نواحی سکونت و اشتغال، در دوره‌های مختلف جریانات اجتماعی درون شهرها را تبیین می‌نمایند و هر کدام سعی بر آن دارند تا قسمتی از واقعیت شکل‌گیری و تحول شهرها را ضابطه‌مند سازند. از آنجاییکه شهر پیچیده‌ترین ساخته دست بشر است و علل و عوامل متعدد و گاه غیرمترقبه روند زندگی آنرا با چالش‌های اساسی روبرو می‌سازد و وجود فرهنگ‌های مختلف، اقلیم و شرایط مکانی متفاوت و نقش‌هایی که هر شهر در طول تاریخ بر می‌گزیند به‌همراه تخریب‌ها و بازسازی‌ها هرگونه ضابطه‌ای را در بررسی و پیش‌بینی مراحل توسعه آن ناکام می‌گذارد. در این پژوهش تعمیمی که سعی در یافتن قواعد کلی رشد شهر و فرسودگی بافت‌های شهری دارد و به‌لحاظ هدف به‌عنوان مطالعه بنیادی طبقه‌بندی می‌گردد تلاش گردیده که با نگاهی بر نظریه‌های موجود و با استفاده از روش پژوهش اکتشافی نظریه رشد شهر بر مبنای الگوی ساقه‌ای را ارائه تا ضمن بررسی روند رشد شهر، دلایل فرسودگی بافت‌های تاریخی و ایجاد بافت‌های جدید شهری تبیین گردد. در این مدل، دلایل فرسودگی بافت‌ها، نحوه برخورد با بافت‌های فرسوده و راهکارهای بنیادی تقویت و اصلاح این بافت‌ها بررسی و در شهر سمنان به‌عنوان مطالعه موردی به‌کار گرفته شده است. مساله مورد بررسی این پژوهش این است که آیا می‌توان بافت‌های فرسوده شهری را مدل‌سازی نمود؟ دلایل اصلی موثر بر فرسودگی بافت‌های شهری چه می‌باشد؟ در راستای پاسخ به این سوالات مدل الگوی ساقه‌ای تدوین یافته است.

واژگان کلیدی بافت تاریخی، الگوی ساخت شهر، فرسودگی، الگوی ساقه‌ای

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری فریبرز یدالهی می‌باشد.

۲- فریبرز یدالهی (نویسنده مسئول)، Fariborz_y@yahoo.com.

مقدمه

آنچه که روند مدل‌سازی در مطالعات شهری را دارای اهمیت می‌سازد لزوم قالب‌دهی به بخشی از واقعیت به‌منظور طبقه‌بندی موارد مشابه در فرمت خاص خود و بررسی آسان‌تر آن می‌باشد. تعدد مدل‌های مختلفی که از روند توسعه شهرها و همچنین آرمانشهرهایی که شهرسازان و سایر اندیشمندان ارائه شده گواهی بر اهمیت موضوع مدل‌سازی بوده تا محکی بر برنامه‌ریزی شهری و تطابق دیدگاه‌های ارائه شده در این راستا باشد. در واقع برای هر شهرساز، مدل‌های آرمانی شکل شهر می‌تواند بسیار سودمند بوده چراکه بدون لحاظ تمامی محدودیت‌ها و مشکلات، الگویی در اختیار می‌نهد تا وضع موجود را با آن بتوان سنجید.

در کنار مدل‌های آرمانی، که در دوره رنسانس خصوصاً به وفور شاهد تدوین مدل‌هایی هستیم که علاوه بر دفاع رویکرد هنرمندانه و آرمانگرایانه داشته‌اند، مدل‌هایی که رشد شهر را پیش‌بینی می‌کنند همانند مدل دوایر متحد‌المركز، مدل قطعی، تحقق برنامه‌ریزی در شهر را ممکن خواهند نمود، چراکه یکی از ارکان برنامه‌ریزی شهری پیش‌بینی چگونگی رشد شهر در آینده است.

از آنجایی که نوسازی، بهسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده و علی‌الخصوص بافت‌های تاریخی دغدغه بسیاری از شهرسازان و همچنین مدیریت شهری است لزوم تبیین نظری ای که عوامل فرسودگی و چگونگی رشد شهر را مدل‌سازی و در اختیار کارشناسان قرار دهد ضروری به‌نظر می‌رسد چراکه بافت‌های تاریخی فضاهای ماندگاری می‌باشند که می‌بایست بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند.

ساکنان شهر به این فضاهای ماندگار نیاز دارند تا به آنها تعلق داشته باشند و معنای سکونتشان را از گذشته دیرین تا به امروز درک نمایند (تابان و پورجعفر، ۱۳۸۷: ۲۴).

سوال‌های پژوهش بدین شکل تدوین یافته‌اند:

- ۱- آیا می‌توان روند فرسودگی در بافت‌های شهری را مدل‌سازی کرد؟
 - ۲- دلایل اصلی موثر بر فرسودگی بافت‌های شهری چه می‌باشد؟
- در این پژوهش بررسی عوامل کلان در فرسودگی بافت‌های شهری و مدل‌سازی فرسودگی به‌عنوان سوالات پژوهش مطرح و تلاش می‌گردد تا با استفاده از نظریه‌های موجود و بهره‌گیری از اندیشه‌های متفکران مکتب بوم‌شناسی شهری و نیز با توجه به دیدگاه اقتصاد سیاسی در نهایت با استنتاج قیاسی نسبت به مدل‌سازی موضوع پرداخته شود. تدوین نظریه‌های هنجاری در حوزه طراحی دارای سابقه بوده لذا در این مقاله از آنجایی که از ابتدا امکان تنظیم ایده پژوهش به‌دلیل پیچیدگی و ناشناختگی موضوع نبوده است. از روش پژوهش اکتشافی استفاده شده تا با روش تحلیل مرور متن و مطالعه منابع و اسناد تصویری و همچنین مشاهدات میدانی نظریه رشد شهر و دلایل کلان فرسودگی در شهرها تنظیم گردد که در نهایت منجر به تدوین نظریه الگوی ساقه‌ای در بررسی رشد شهر و فرسودگی نواحی شهری گردیده است.

این مطالعه به لحاظ هدف در طبقه مطالعات بنیادی قرار می‌گیرد و از آنجایی که سعی در یافتن قواعد کلی دارد یک پژوهش تعمیمی می‌باشد.

روش پژوهش

در این مطالعه با توجه به گستردگی موضوع نقش متخصص بسیار قوی و محوری می‌باشد. پژوهش مبتنی بر نظر تخصصی (یا مشاهده کننده) در معماری و شهرسازی سابقه طولانی داشته و در اکثر مطالعاتی که در مورد شکل شهر و ویژگی‌های آن انجام شده، همین روش به کار رفته است.

کتاب تئوری خوب شهر نمونه بسیار مشهوری از این دست است که در آن کوین لیچ محورهای اصلی شکل خوب شهر را از طریق تحلیل متون و تجربیات خود استنتاج کرده است (میرمقتدایی و طالبی، ۲۰۰۶: ۳ و ۲). در واقع مدلسازی، مبنی بر مشاهدات میدانی، بررسی نقشه شهرهای مختلف و تصویرسازی ذهنی بوده تا در نهایت مشاهدات و مطالعات در مدلی موجز بیانگر مطلبی عمیق باشد.

به‌طور خلاصه روش پژوهش اکتشافی که در این مطالعه به کار گرفته شده شامل سه مرحله ذیل می‌باشد:

الف: نظریه‌ها و مفاهیم مختلف مطالعه گردیده، بدیهی است که استناد به متون تخصصی به معنی پذیرش صرف و بی‌چون و چرای آنها نبوده و پذیرش آرای دیگران طی فرآیند استدلالی و منطقی انجام گرفته است.

ب: با توجه به روند رشد شهرها در زمانهای طولانی و تفحص در بافت‌های تاریخی و فرسوده شهرها نظریه الگوی ساقه‌ای که بیانگر نحوه رشد شهر و چگونگی فرسودگی محله‌های شهری است تدوین گردیده است.

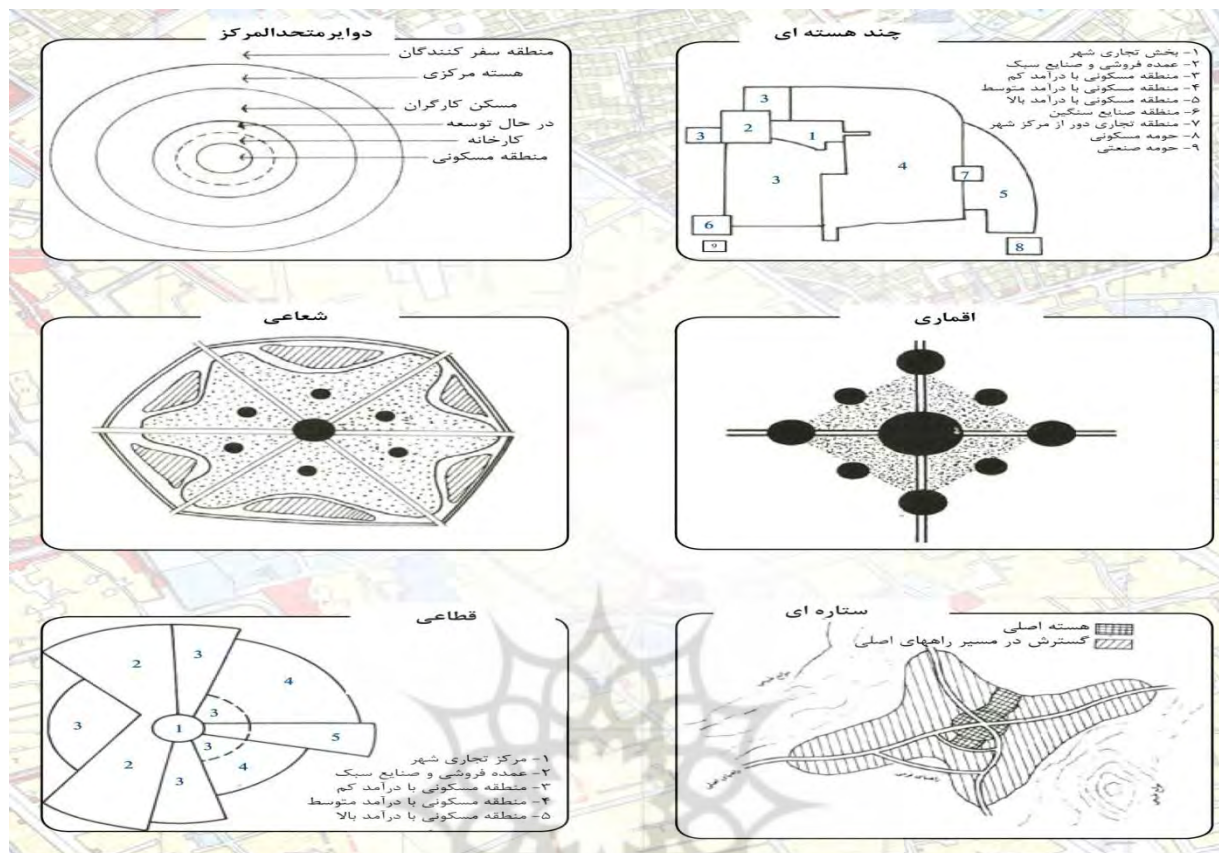
ج: با استفاده از نظریه تدوین شده نحوه رشد شهر و دلایل کلان فرسودگی در بافت تاریخی شهر سمنان به‌عنوان مطالعه موردی مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

الف- ساخت شهر

نظریه‌های مختلفی چون ساخت دوایر متحدالمرکز ارنست برگس^۱، ساخت قطاعی همرویت^۲، ساخت چند هسته‌ای ادوارد اولمن^۳ و چانسی هریس، ساخت ستاره‌ای شکل، ساخت عمومی شهر رابرت دیکنسن^۴، ساخت طبیعی و ساخت کریدوری شهر چگونگی رشد شهر را در زمان‌های مختلف ارائه نموده‌اند که در شکل شماره انشان داده شده است.

1.E.W.Burgess
2.Homer Hoyt
3.E.U.Ullman
4.R.Dikenson



شکل شماره ۱: تئوری‌های ساخت شهر

منبع: اسماعیل شیعه، ۱۳۸۱

دغدغه اصلی اعضای مکتب شیکاگو نیز این بوده که تغییرات شهری را مستند کنند (شارع پور، ۱۳۷، ۱۳۹۰). روش تحقیق آنان در اکولوژی شهری بی شباهت به روش‌های معمول در اکولوژی گیاهی نبود (فرید، ۱۳۹۰، ۱۳۷). به گونه‌ای که برگس معتقد است: مبارزه برای بقا باعث شده که الگوی خاصی برای استفاده از زمین شکل بگیرد (شارع پور، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

از این نظریه‌ها می‌توان به‌عنوان خطوط اصلی مطالعه و شناخت ویژگی‌های شهرهای مختلف استفاده نمود چراکه هریک واقعیت‌هایی را برای ما مشخص می‌نمایند، هرچند واضح است که همه شهرها از الگوی واحدی تبعیت نمی‌کنند. همانگونه که ارسطو گفت یک شهر باید به‌نحوی ساخته شود که ساکنان آن احساس امنیت و رضایت کنند (فریدون قریب، ۱۳۸۵: ۱۰). از دیدگاه پدافند غیر عامل نیز الگوی مختلف رشد و توسعه شهر نحوه دفاع و میزان آسیب وارده را متفاوت می‌سازد، الگوهای خطی، شعاعی، شطرنجی، اقماری و غیره به لحاظ مقابله و آسیب‌پذیری در برابر حوادث، دارای معایب و مزایای گوناگونی است (فرزام شاد و عراقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۰).

آب به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل طبیعی از دیرباز نقش بسیار مهمی در ایجاد سکونتگاه‌های انسانی داشته است. شکل‌گیری تمدن‌های اولیه گواهی بر مدعا است. در ایران نیز فضاهای حیاتی در جایی شکل گرفته‌اند که یا بارندگی کافی داشته و یا اینکه امکان آبیاری از روش‌های سنتی یعنی قنات و چاه برای تامین آب وجود داشته باشد که ویت

فوگل^۱ از آن به‌عنوان تمدن آبی یاد می‌کند (علی اصغر رضوانی، ۱۳۸۳: ۴۲). در کنار عوامل طبیعی و انسانی موثر در رشد شهر که به برخی از آنها اشاره شد تا تلاش برای شناخت عوامل تاثیرگذار بر ساخت و توسعه شهر را نشان دهد می‌بایست به عوامل فرساینده نیز توجه داشت.

ب- فرسودگی

به موازات سیر قهقرایی یک منطقه، اجاره بهای خانه‌ها سیر نزولی می‌یابد و ارزش زمین برای ساختمان‌سازی به حداقل ممکن می‌رسد. بنابراین مالکان املاک خود را رها می‌کنند تا خراب شود. زیرا هرگز سرمایه ناشی از نگهداری را دریافت نمی‌کنند (پوررضا، ۱۳۸۵: ۱۱۷). بافت تاریخی و یا بافت‌های فرسوده که دچار فرسودگی نسبی یا مطلق می‌شوند بافت‌هایی هستند که جریان زندگی در آنها کم‌رنگ گردیده و دیگر توان بازسازی و نوسازی خود را ندارند. در طول تاریخ نواحی شهری به آهستگی و باروندی ارگانیک رشد کرده و دستخوش تغییر شده‌اند. هر اندازه توسعه در روزگار مدرن بتواند به‌صورت تدریجی از طریق ترمیم و مرمت در مسیر پیشرفت خود قابل دست‌یابی باشد احتمال آنکه پذیرفتنی باشد بیشتر است (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۹۴).

فرسودگی از مهمترین مسائل مربوط به فضای شهری است که موجب عدم تعادل، عدم تناسب، بهم ریختن سازمان و بی‌قوارگی آن می‌شود. فرسودگی به دو دسته تقسیم می‌گردد:

۱- فرسودگی نسبی

۲- فرسودگی کامل

فرسودگی نسبی: هنگامی که یکی از عناصر شهری یعنی کالبد یا فعالیت فرسوده گردد.

فرسودگی کامل: هنگامی که هر دو عنصر کالبد و فعالیت فرسوده شده باشند.

تعدد مالکیت‌ها و عدم تطابق با شرایط کنونی، حرکت و جریان را در بافت‌های تاریخی کم‌رنگ می‌سازد. برای نمونه عرض کم معابر در بافت تاریخی برای تردد اتومبیل و وسائط نقلیه موتوری مناسب نمی‌باشد. همچنین امکان امداد رسانی را ضعیف و همچنین ارائه خدمات شهری را با دشواری مواجه می‌سازد، ضوابط و مقرراتی که به‌منظور حفاظت و یا جلوگیری از بافت تاریخی وضع می‌گردد و به نوعی زندگی با آرمان دیگران را تداعی می‌کند در کاهش جاذبه‌های بافت تاریخی تاثیر گذاشته و جریان سرمایه و حرکت را از این بافت‌ها خارج می‌نماید. با خروج سرمایه، توان و نشاط از بافت خارج می‌گردد. در نتیجه نوسازی و بهسازی کمتر گردیده و فرسودگی افزون می‌گردد. روابط میان مردم شکلی از سرمایه را ایجاد می‌کند که سرمایه اجتماعی نام دارد. موجودی سرمایه اجتماعی، منبعی بالقوه برای افراد و خانواده‌ها در به‌دست آوردن منافعشان می‌باشد (مهندسین مشاور ایوان نقش جهان، ۱۳۸۷: ۲۳۰). بافت در صورتی زنده و پویا خواهد بود که پذیرای حضور فعالانه مردم در عرصه‌های مختلف زندگی باشد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۹۹).

ج- مرمت در بافت تاریخی

ساماندهی و بازسازی در واقع ترکیبی از فرآیندهای اجتماعی، روانشناختی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است (فلاحی، ۱۳۸۲: ۲). در مرمت بافت‌های فرسوده ابتدا می‌بایست میان بافت‌های فاقد ارزش تاریخی و بافت واجد ارزش تاریخی تمایز قائل گردید. از آنجایی که تبلور فرهنگ و جهان‌بینی هر دوره در هنر و معماری بروز می‌کند و زمینه ایجاد تمدن می‌شود، اگر تمدن را تبلور بیرونی فرهنگ بدانیم و آنرا گویای هویت مردمان هر سرزمین برشمیریم آنگاه واضح است که به چه دلیل معماری هر سرزمین متجلی‌کننده هویت آنهاست.

بافت‌های تاریخی بیانگر هویت ساکنان آن و به‌عنوان دفتر مشروح تمدن بشری دارای حساسیت بیشتری در چگونگی برنامه‌ریزی و نحوه مداخله می‌باشند و تاکید منشورهای بین‌المللی لزوم حفظ میراث پیشینان را موکدا یادآوری می‌نمایند. در میان تجربیات کشورهای مختلف و نظریات متعدد صاحب‌نظران و منشورهای متعدد بین‌المللی به سه شیوه کلی مرمت در بافت تاریخی نگاه می‌شود:

نگرش موزه‌ای (تفکر آیینی)، نگرش سلولی (توانمندسازی) و نگرش ارگانیک (نگرش عقلانی). همچنین با توجه به روند مرمت در کشورهای مختلف دلایل تغییر رویه مشخص و به کارآمدی و ویژگی‌های هر یک از روش‌ها اشاره شده می‌توان پی برد.

تاریخ نشان می‌دهد شهرهای غنی‌تر در طول زندگی خود بیش از مراکز مسکونی با اقتصاد محدود مورد تهاجم، تخریب و بازسازی قرار گرفته‌اند (فلامکی، ۱۳۸۰: ۱۴۰). لذا نباید فراموش کرد شهر بمانند یک موجود زنده همانگونه که مامفورد اعتقاد دارد دارای مراحل مختلفی از حیات بوده که از مرحله نوزاد شهری تا تباه شهری در تغییر می‌باشد (فرید، ۱۳۹۰: ۸).

ساخت کلی یک شهر را می‌توان به دو بخش اصلی و غیر اصلی تقسیم کرد. بخش اصلی که استخوان‌بندی و ستون فقرات شهر را تشکیل می‌دهد و معرف ثبات، تداوم و هویت شهر است. این بخش معنی اصلی شهر را که مفهوم انتقال پیام می‌باشد انجام می‌دهد. سایر قسمت‌های شهر، بخش غیر اصلی را تشکیل می‌دهند که نماینده تغییر، تنوع، آزادی و اختیار است. بخش اصلی می‌تواند از عناصری همچون محورهای اصلی ارتباطی، فضاهای باز عمده، بناهای عمومی و نظایر آن تشکیل شده. در حالی که محله‌های شهر و جایی که زندگی روزمره مردم شهر در آن صورت می‌گیرد بخش غیر اصلی را تشکیل می‌دهد (میرمقتدایی، ۱۳۸۵: ۴۳).

د- جدایی‌گزینی

مکان‌ها مورد تغییر و اصلاح قرار می‌گیرند تا با نحوه رفتارها تطبیق پیدا کنند و رفتارها به نوبه خود تغییر می‌یابند تا با مکان خاصی منطبق گردند (بحرینی، ۱۳۸۶: ۱۹۳). این بافت‌های نفوذناپذیر و بازمانده از جریان حرکت، پذیرای کسانی می‌گردند که با نحوه زندگی در آن تطبیق یابند. رقابت میان گروه‌های مختلف اجتماعی در واقع منجر به جدایی‌گزینی می‌گردد و از آنجایی که این تازه واردین به‌لحاظ درآمد در سطح پایینی قرار دارند و عموماً اجاره‌نشین هستند، تعلق کمتری بدان دارند و در صورت ارتقای سطح زندگی به مناطق دیگر شهر نقل مکان می‌نمایند.

تغییر در بافت اجتماعی این بافت‌ها و مهاجرت‌های صورت پذیرفته، مشارکت مردمی در این بافت‌ها را نسبت به گذشته کمتر می‌سازد. لذا به نظر می‌رسد بر اساس نظریه وابستگی و در ارتباط با سلسله مراتب نظام شهری جهانی و انتقال مازاد اقتصادی از کشورهای جهان سوم در سطوح خردتر نیز انتقال مازاد در میان محلات شهری صورت می‌پذیرد.

جدایی‌گزینی اجتماعی از طریق قطبی شدن، تقسیم شهرها به محلات محروم و مرفه‌نشین، مقوله بدمسکنی، توزیع نابرابر خدمات عمومی در شهرهای قطبی شده، انحصار مالکیت زمین در دست ثروتمندان، گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای جهان سومی و شکل‌گیری گتوهای قومی و نژادی در مراکز شهرهای غربی نمونه‌ای از بی‌عدالتی در شهرها بوده که شهرسازی کالبدی اگر خود مسبب آنها نبوده در هر حال راه حلی هم برای آنها ارائه نمی‌داد (معصوم، ۱۳۸۳: ۱۸).

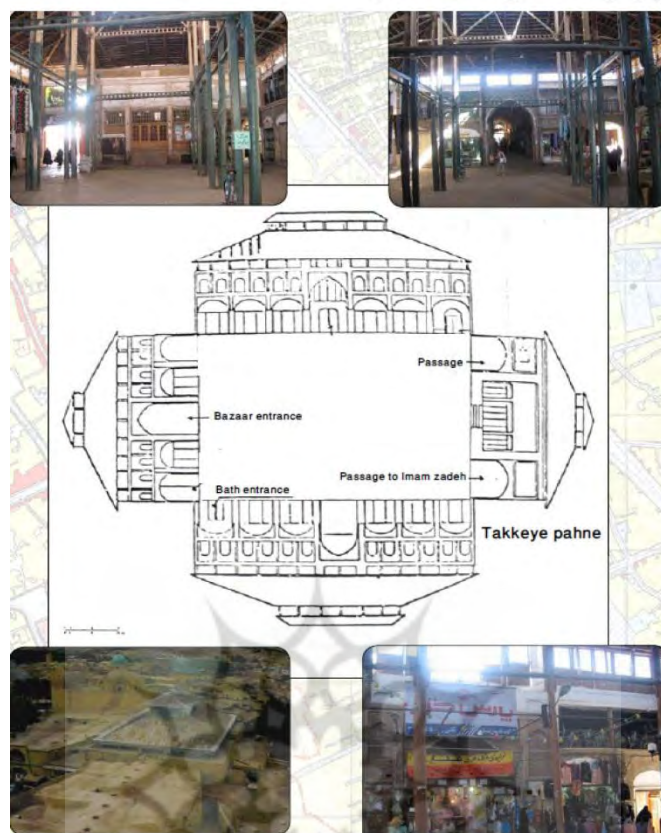
ه- الگوی سنتی در نفوذپذیری بافت‌ها

از آنجایی که در شهرهای تحت تاثیر تمدن ایرانی، بازارها در کنار دروازه‌های شهر تشکیل و به سمت داخل شهر گسترش می‌یافته است، مهمترین معبر شهر در کنار تردد شهروندان، کارکردهای اجتماعی و اقتصادی را نیز به همراه داشته است. رونق و نقش‌آفرینی عناصر معماری و شهرسازی ایرانی بهره‌گیری از پتانسیل‌های مختلف و در کنار هم چیدن کاربری‌های متفاوت و اتصال آنها با شبکه معابر به گونه‌ای که در متن جریان و حرکت قرار گیرند، بوده است. برای نمونه تکایا و حسینیه‌ها به‌عنوان مراکز مذهبی در داخل گذرها ایجاد شده و خودن قش مرکز محله را بازی می‌کردند. یعنی در کنار کارکرد عبادی، فضای مکث بوده که گاه مسقف شده با کاربری‌های دیگر چون حمام، آب انبار و مراکز خرید محله درهم آمیخته و تردد ساکنین از میان آن، فضایی چندکارکردی را ایجاد می‌نموده است.

تصویر شماره ۲ نمایشگر تکیه پهنه در بافت تاریخی شهر سمنان می‌باشد که ضمن ایجاد فضای مکث کارکردی اجتماعی و مذهبی داشته و با وجود فضاهای تجاری در پیرامون آن نقش اقتصادی نیز دارد.

حتی مساجد نیز با محدودیت‌های احکام شرع اسلام امکان تردد از میان خود را فراهم می‌آورده اند و حیاط و فضای میانی آن چون مفصلی، اتصال دهنده معابر بهم بوده است. لذا به راحتی می‌توان دریافت، هرچه گوناگونی کاربری‌ها و عملکردها بیشتر باشد فضاهای شهری با سرزندگی بیشتری خلق خواهند شد.

ترکیب کاربری‌ها ضمن اقتصادی نمودن اقدامات، منجر به نفوذپذیری بیشتر و استفاده بهینه از فضاهای شهری می‌گردد. حقیقت شهر جریان حرکت آن است (پاول، ۲۰۰۴: ۲۰). راه، مهم‌ترین جنبه از تصویر ذهنی مردم نسبت به شهر می‌باشد که در شهرسازی ایرانی با بازار به‌عنوان مهمترین معبر، ضمن امکان حرکت، به فعالیت‌های مختلفی از قبیل تجارت پاسخ مناسب داده و با قرارگرفتن مساجد، کاروانسراها، حمام‌ها و آب انبارها به‌عنوان نمونه متعالی راه خوانا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. اهمیت راه‌ها در کل نظام شبکه ارتباطات و اطلاعات شهر چنان بود که برای ترساندن و عبرت خلفکاران و گاه مردم برخی از محکومان را در بازار و کوی‌های پر رفت و آمد به مجازات می‌رساندند و اگر می‌خواستند فرمانی را به گوش مردم برسانند در بازار جار می‌زدند (سلطانزاده، ۱۳۸۵: ۳۹).



شکل شماره ۲: تکیه بهنه در داخل بافت تاریخی شهر سمنان

منبع: نگارندگان

باید توجه داشت که نفوذپذیری تنها با شبکه معابر در ارتباط نمی‌باشد. چراکه بسیاری از بافت‌های فرسوده کنونی با همین شبکه معابر در گذشته نفوذپذیر بوده‌اند. پس مراد از نفوذپذیری تحقق جریانی است که به‌عنوان یک راه ارتباطی کارکردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی را با خود به‌همراه داشته باشد. شهر به‌عنوان تبلور عینی تمدن و فرهنگ و اعتقادات یک جامعه دفتری است که سیر تحولات تاریخ به‌همراه آمال و ارزش‌های ساکنانش را می‌توان از کالبد آن بازشناخت (حبیب، ۱۳۸۳: ۲۶). زمان شکل‌گیری، سیاست‌های سازندگان شهر، فرهنگ ساکنان آن، اقلیم و مورفولوژی، نقش شهر و فراز و فرودهای تاریخی در متفاوت بودن شکل شهر و روند رشد آن موثر است. در گذر زمان نه تنها فرهنگ ساکنان شهر، بلکه نحوه رشد شهر نیز دچار تغییرات اساسی گردیده است. در شرق که قدمت شهرها گاه به هزاره‌ها می‌رسد تغییر مذهب، زبان و باورهای ساکنان شهرها کاملاً مشهود می‌باشد. تبدیل کلیساها و آتشکده‌ها به مساجد و به‌طور کلی تغییر عملکرد ابنیه مذهبی، تغییر زبان و فرهنگ ساکنان شهرها تحت تاثیر فتوحات و جنگ‌ها و رشد شتابان شهرگرایی پس از انقلاب صنعتی به‌طور مشخص تغییرات شهری را آشکار ساخته است. مهاجرت‌ها و جدایی‌گزینی ساکنان شهرها، منجر به نوعی خاص از زندگی در شهرها گردیده، به‌گونه‌ای که روند زندگی در شهرها مدام در حال تغییر قرار گرفته است. امروز شهرهای بزرگ محل برخورد سلیقه‌ها و تجربیات مختلف می‌باشند.

در جامعه سنتی تعداد الگوهای موجود محدود و مشخص ولی در جامعه امروز یکی از مهمترین مشخصه‌ها تعدد ذائقه‌ها و سلیقه‌ها و غلبه کثرت‌گرایی است. لذا مدلسازی درخصوص نحوه رشد شهر و فرسودگی بافت‌های شهری دشوارتر می‌گردد. روشن است دشواری کار منجر به عدم توجه به این مهم نبوده و به‌منظور طبقه‌بندی و درک آسانتر تحولات در شهر، مدلسازی ضروری می‌باشد.

نظریه ساقه‌ای

شهر تنها در کنار هم قرار گرفتن ساختمان‌های جداگانه نیست (اشرفی، ۱۳۸۲: ۴۰۶). شهر به‌عنوان یک موجود زنده دارای ساختی متغیر و متناوب بوده که می‌توان به‌منظور بررسی مراحل مختلف رشد و شکل‌گیری بافت‌های شهری، رونق و فرسودگی بافت‌ها همانند ساقه یک درخت آنرا مدلسازی نمود. با برش عرضی از ساقه یک درخت امکان مطالعه و مدلسازی شهر توسط مدل ساقه‌ای فراهم می‌گردد. مراحل مختلف رشد درخت از روی ساقه آن مشخص می‌گردد همانگونه که شهر توسعه در ادوار مختلف را نمایان می‌سازد و با بررسی کالبد شهر دوران‌های مختلف رشد آنرا می‌توان ملاحظه نمود. رشد متفاوت پاییزه و بهاره درختان که در نقوش ساقه نمایان است بیانگر رشد متفاوت بوده و رشد سریع و بطئی درخت همانند شهر بیانگر تفاوت شرایط محیطی می‌باشد. بی دلیل نیست که پاتریک گدس می‌گوید که شناخت شهر درگرو شناخت عوامل جغرافیایی و تاریخی است (حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۲).

هرگاه که شرایط مناسب باشد رشد بیشتر و در شرایط نامناسب رشد اندک صورت می‌پذیرد و با نگاهی دیگر پس از هر دوره رشد زیاد، دوره رکود از راه می‌رسد ولی رشد هرچند اندک وجود دارد. هرچند رشد عرضی یک ساقه کاملاً قرینه نیست اما در تمامی جهات رشد هرچند ناچیز در جریان است مگر مانعی از رشد ساقه در یک سمت جلوگیری نماید. شهرهای جوان و نو تاسیس و شهرهایی که رشد بسیار اندکی دارند عموماً به‌لحاظ نحوه گسترش و شکل ظاهر قرینه می‌باشند که یادآور نظریه دواير متحد‌المركز ارنست برگس می‌باشد. گرچه ساقه درخت با شکل دایره‌ای شکل تفاوت دارد و قدمت شهر و شتاب رشد آن در تغییر شکل ظاهری آن موثر است. در اینجا شاید این سوال در برخی اذهان تداعی گردد که شهرهای خطی ناقض این ادعا هستند. باید توجه داشت که هرچند این شهرها به‌صورت خطی در کنار مسیرهای مواصلاتی، رودها و دره‌ها شکل گرفته‌اند و به‌خاطر تنگناهای توسعه انتظام لازم را در مدلسازی به شیوه ساقه‌ای شاید نداشته باشند، اما در رشد خود هرچند اندک به افزایش عرض و یا به سخنی دیگر به افزایش گوشته خود می‌پردازند. البته باید توجه داشت که معیارهای تعریف شهر در نقاط مختلف دنیا متفاوت و سابقه شکل‌گیری آنان نیز متغیر است. نظریه‌هایی که به علل پیدایش شهرها می‌پردازد به عوامل مذهبی، تجاری، نظامی واز همه مهمتر توسعه کشاورزی و تبدیل روستاها به شهرها اشاره دارد. ضمن آنکه در نقاط مختلف جهان و در زمان‌های متفاوت هر یک از این دلایل به تنهایی و یا به‌صورت ترکیبی نقش داشته‌اند، همچنین شهرهایی که به یکبار و با عنوان شهر بنا نهاده شده و رشد نموده‌اند نیز قابل شناسایی می‌باشند. لذا شهرهایی که از به‌هم پیوستن مجموعه‌های روستایی و یا روستا شهرها و نقاط سکونت‌ی که در فرهنگ‌های خاص و یا برخی کشورها شهر نامیده می‌شوند، می‌توانند با گونه‌های خاصی از درختان تطابق یابند. در این میان تفاوت‌های فرهنگی و محیطی در

نوع گونه درخت قابل ارزیابی است. برای مثال درخت انجیر معابد و سایر درختان منحصر به فرد در بررسی شهرهای خاص قابل استفاده‌اند. شهر همچون ساقه نقش انتقال جریان‌های مالی و اقتصادی رابه عهده دارد. چون ساقه‌ای که ریشه‌ها را به سرشاخه‌ها وصل می‌کند واسطه و رابطه میان بخش‌های مختلف اقتصادی تولیدی و خدماتی می‌باشد.

اجتماع انسان‌ها در هر مکان و در هر زمان و به هر منظوری که بوده باشد تحت تاثیر روابط آنها با یکدیگر و همچنین سایر جوامع بوده است (شیعه، ۱۳۸۱: ۲). در قسمت خارجی و پوسته هم شاهد بافت‌های غیرفشرده، سست و غیرمنسجم هستیم که نمایانگر حومه‌های شهری می‌باشد. از آنجایی که مرگ آدمی گریزناپذیر است تلاش انسان برای حفظ آنچه که می‌سازد امری طبیعی است. همانگونه که رشد ریشه‌ها با سایه انداز درخت متناسب می‌باشد و در صورت ممانعت از ایجاد چتر در یک سمت، افزایش چتر در سمت دیگر صورت می‌پذیرد و ریشه‌ها نیز همانند سرشاخه‌ها گسترده شده که بر روند رشد ساقه نیز اثر می‌گذارد رشد شهر در یک سمت بیانگر سرشاخه‌هایی است که در آن سمت وجود داشته و حرکت و توسعه شهر را به آن سمت معطوف می‌دارد.

آوندها که جریان حیات در درخت را تحقق می‌بخشند در مرکز قرار ندارند و به عبارتی به مرور و متناسب با رشد شهر از مرکز فاصله می‌گیرند و شکل‌گیری آنان به سمت پیرامون گرایش دارد. آوندها نمایانگر راه‌های ارتباطی و شریان‌های شهر می‌باشند. فعالیت‌های جدید عموماً و درحالت طبیعی در بافت‌های جدید و پیرامونی اتفاق افتاده چراکه راحت‌تر با نیازهای جدید تطابق یافته و بافت‌های پیرامونی مرادفات سهل‌تری را با خارج برقرار می‌نمایند. با قطع این آوندها و در شهرها شریان‌ها، حیات گیاه و شهر به مخاطره می‌افتد. این شریان‌های حیاتی که حرکت، سرمایه، کالا و فرهنگ را به پیرامون و از پیرامون منتقل می‌کنند بخش زنده شهر بوده و در صورتی که ضعیف گردند کالبد شهر که امروز زنده به‌نظر می‌رسد به جسدی بی‌جان بدل خواهد شد. شهر نیز چون درخت سعی بر آن دارد که از پیرامون گسترش یابد این گسترش بیانگر زنده بوده و متکامل شدن بوده و گسترش آن نشان از استحکام بیشتر آن دارد. بر اساس مدل برگس شهر دائماً در حال رشد است و مناطق مرکزی شهر بهترین محل برای فعالیت‌های تجاری و مالی‌اند. وقتی تعداد این نهادهای ثروتمند و قدرتمند که به‌دنبال اشغال نواحی مرکزی‌اند افزایش می‌یابد، این رشد به این معنا است که فرایند تهاجم و توالی کسب و کار و بخش‌های مختلف جمعیت، دائماً به سمت بیرون حرکت می‌کند (شارع پور، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

بافت‌های موجود مدام ایجاد شده و بر دور بافت‌های پیشین قرار می‌گیرند آنگاه که جریان و حرکت در بافت‌ها کم می‌شود از زایش بازمانده و انعطاف‌پذیری در آن کم شده و بافت‌ها به مرور سخت می‌گردند. به‌دنبال کم شدن انعطاف، جریان زندگی کمتر و کمتر شده بافت دچار سختی مضاعف می‌گردد. هرچه از قدمت این بافت‌ها بیشتر می‌گذرد چون درختان این بافت‌ها تبدیل به چوب سخت و محکمی گردیده که شیره نباتی در آن جریان نداشته بلکه تصویری از حیات پویای گذشته بر ساقه دارند و عامل قوام درخت هستند. اما در گذر ایام این بافت‌های قدیمی آرام آرام پوک شده و گاه فرو می‌ریزد به‌عبارتی بافت تاریخی در شهرهای کهن همانند بافت داخلی درخت

از جریان تهی گشته و غیرقابل انعطاف می‌گردند و اگر که به حال خود رها گردند این بافت‌های هویت بخش شهر از چرخه زندگی شهری خارج خواهند شد. جریان کالا، افکار، تحرک‌های جمعیتی و عرضه خدمات، نیروی حیاتی و محرکه سیستم شهری است و آنرا پویا می‌سازد (شکویی، ۱۳۸۳: ۳۳۱). سلول‌های موجودات زنده می‌میرند و سلول‌های جدید جایگزین آن می‌گردند. همانگونه که منازل مسکونی و ابنیه تخریب و ساخته می‌شوند، بخشی‌هایی از درخت و یا موجود زنده از ادامه حیات باز می‌ماند. اما زندگی همچنان ادامه دارد تا زمانی که کل از حرکت و تکاپو بازماند. سلول‌های موجودات زمان معینی زنده مانده و زندگی را به جز دیگری تقدیم می‌نمایند. بهسازی و بازسازی تداوم بخش حیات بوده و تلاش برنامه‌ریزی شهری در حفظ و تداوم این جریان حیات در بافت‌های شهری است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر سمنان مرکز استان سمنان بوده که در ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی در حاشیه کویر مرکزی ایران و بر دامنه‌های کم شیب جنوبی رشته کوه‌های البرز واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۰۰ متر می‌باشد. شهر سمنان از سمت غرب ۲۲۰ کیلومتر با تهران و از سمت شرق ۱۰۷ کیلومتر با دامغان و از شمال ۱۸ کیلومتر با مهدیشهر فاصله دارد (مهندسین مشاور پارت، ۱۳۷۴: ۱).

شواهد بسیاری حاکی از این است که در موضع فعلی شهر سمنان قبل از اسلام کانون زیستی وجود داشته است. دو قلعه نارین و چرمینه که یکی در شرق و دیگری در غرب شهر سمنان و محله کهن‌دژ تداعی کننده کهن‌دژ به عنوان یکی از عناصر اصلی شهر ایرانی قبل از اسلام و ذکر نام دو محله قدیمی ناسار و اسفنجان در افسانه‌های باستانی دلالت بر قدمت شهر سمنان دارد ضمن آنکه به مخروبه‌های باقی مانده از آتشکده در جنوب شهر سمنان نیز می‌توان اشاره داشت (مهندسین مشاور پارت، ۱۳۷۴، ۶۰). بافت تاریخی شهر سمنان که همچنان دارای مرکزیت نسبی در ابنیه مهم بافت شهر سمنان بوده و حدود ۴۰ هکتار از اراضی شهری را به خود اختصاص داده است در شکل شماره 3 محدوده و ابنیه شاخص بافت تاریخی شهر سمنان نشان داده شده است.

یافته‌های پژوهش

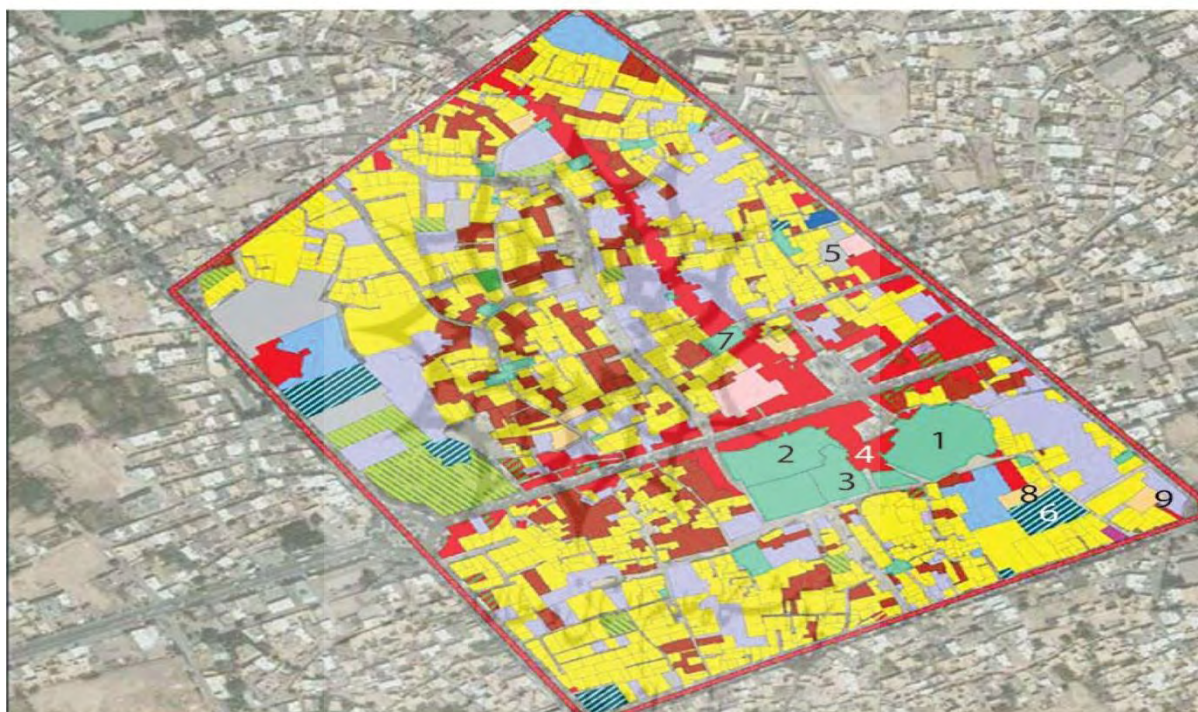
➤ بررسی بافت تاریخی شهر سمنان

با توجه به یافته‌ها و مبانی تدوین شده در سه بخش به صورت مختصر این بافت تاریخی قابل بررسی است: خروج سرمایه، تزریق سرمایه، ناکامی اقدامات و پروژه‌ها و نحوه برخورد با بافت.

الف- خروج سرمایه

با مهاجرت ساکنین اصلی بافت به قسمت‌های نوساز شهر و جایگزینی مهاجرینی از سایر نقاط ایران که با نحوه زندگی در بافت و حفظ و نگهداری آن آشنا نیستند. جدایی‌گزینی اکولوژیکی در شهر اتفاق افتاده که در اثر این جدایی‌گزینی اکولوژیکی فرسودگی کالبدی افزایش یافته است و از آنجایی که این تازه واردین به لحاظ درآمد در سطح پایینی قرار دارند و عموماً اجاره‌نشین هستند، تعلق کمتری بدان دارند و در صورت ارتقای سطح زندگی به

مناطق دیگر شهر نقل مکان می‌نمایند. طبق برداشت میدانی میزان افراد مجرد که عموماً مهاجرین به بافت می‌باشد زیاد بوده که نشان از این دارد که بافت نقش خوابگاه و یا سکونتگاه موقت را داشته و اینگونه افراد درآمدهای خود را به زادگاه خود برای بستگان خویش می‌فرستند. به عبارتی روشن، سرمایه از بافت تاریخی مدام خارج می‌شود و بافت، فرسوده و فرسوده‌تر می‌شود. با توجه به نظریه وابستگی مشاهده می‌شود که بافت‌های فرسوده شهری نقش پیرامون را برای بافت پررونق شهر ایفا می‌نمایند و بافت تاریخی برای ترمیم خود از فعالیت اقتصادی ساکنانش بهره‌ای دریافت نمی‌کند. تصویر شماره 4 بیانگر توسعه بازار قجری در درون بافت تاریخی شهر سمنان است که درهم آمیختگی اقتصاد و جریان اقتصادی را در درون بافت‌های شهری نمایان می‌سازد. تضعیف فعالیت‌های اقتصادی در بافت تاریخی شهر سمنان از عوامل مهم در فرسودگی این بافت‌هاست.

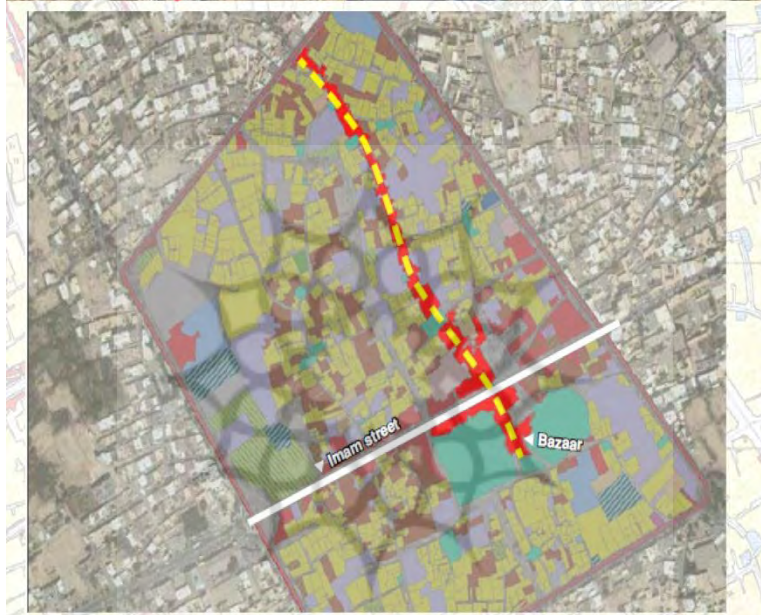


- ۱- مسجد امام
- ۲- مسجد جامع
- ۳- امامزاده یحیی
- ۴- تکیه پهنه
- ۵- خانه تدین
- ۶- کتابخانه عالمی
- ۷- تکیه ناسار
- ۸- خانه ناظمیان
- ۹- خانه کلانتر



شکل شماره ۳. محدوده و تاریخی سمنان

منبع: مهندسین مشاورپارت، ۱۳۷۴



شکل شماره ۴: بازار قجری در درون بافت تاریخی

منبع: مهندسین مشاور پارت، ۱۳۷۴

ب- تزریق سرمایه

آنچه که مسلم است کمبود منابع مالی ساکنین بافت و عدم علاقه به هزینه کرد آنان که عموماً از اقشار پایین دست جامعه می‌باشند لزوم مداخله دولت را در بافت ایجاب می‌نماید. لذا دیگر نمی‌توان تنها به توانمندسازی ساکنین و اعطای وام بسنده نمود. به عبارتی تزریق منابع مالی دولتی الزامی می‌باشد.

ج- ناکامی پروژه‌ها

پروژه‌های اجرا شده در بافت تاریخی که به منظور روان‌بخشی و بهبود تردد صورت پذیرفته نه تنها بافت را از هم گسیخته و در بهبود وضعیت ترافیک موفق نبوده در تزریق توسعه و ایجاد جریان اقتصادی و اجتماعی در داخل بافت نیز ناکارآمد بوده است و عملاً از فرسودگی درون بافت جلوگیری نکرده و جریان اقتصادی و اجتماعی در آن برقرار نگردیده و صرفاً حرکت وسایط نقلیه را به صورت محدود ممکن نموده است. به نظر می‌رسد همانطور که اشاره شد عدم موفقیت پروژه‌های تعریض و بازگشایی معابر به دلیل دیدگاه‌های تک بعدی مدیریت شهری و مشاورین باشد و

از آنجایی که تنها رفع مشکل ترافیک مدنظر قرار گرفته و از توجه به سایر مسائل غفلت گردیده کلیه طرح‌ها از اثربخشی لازم برخوردار نمی‌باشند. لذا باید با توجه به درونگرایی نسبت به ایجاد دسترسی از درون توجه نمود تا بافت چون گذشته کارکردهای مختلف را با هم عجین و جریان‌های اجتماعی و اقتصادی را در درون خود به جریان انداخته، ضمن انسجام کالبدی به لحاظ فعالیت و عملکرد نیز توانمند گردد.

تصویر شماره ۵ نشانگر اجرای پروژه صبوران در بافت تاریخی شهر سمنان است که عملاً از فرسودگی بافت نکاسته و تنها به تسهیل ترافیک عبوری می‌پردازد. در واقع محور صبوران در ایجاد جریان اقتصادی و اجتماعی در درون بافت تاریخی شهر سمنان ناکام و دیدگاه تک بعدی مدیریت شهری را نمایان می‌سازد.



شکل شماره ۵: پروژه محور صبوران به موازات راسته بازار در سمنان

منبع: مهندسین مشاور پارت، ۱۳۷۴

د- نحوه برخورد با بافت

به منظور روانبخشی و یا بهبود دسترسی‌ها به محورهای عمود بر بازار و مرتبط به خیابان‌های اصلی می‌بایست اندیشید و تجربه گذشته احداث خیابان به موازات بازار و با فاصله اندکی از آنرا دنبال نمود ضمن آنکه باید دید در این شبکه‌ها جریانات اقتصادی، اجتماعی به جریان خواهد افتاد یا تنها شبکه‌ای است برای تردد خودرو آن هم نه

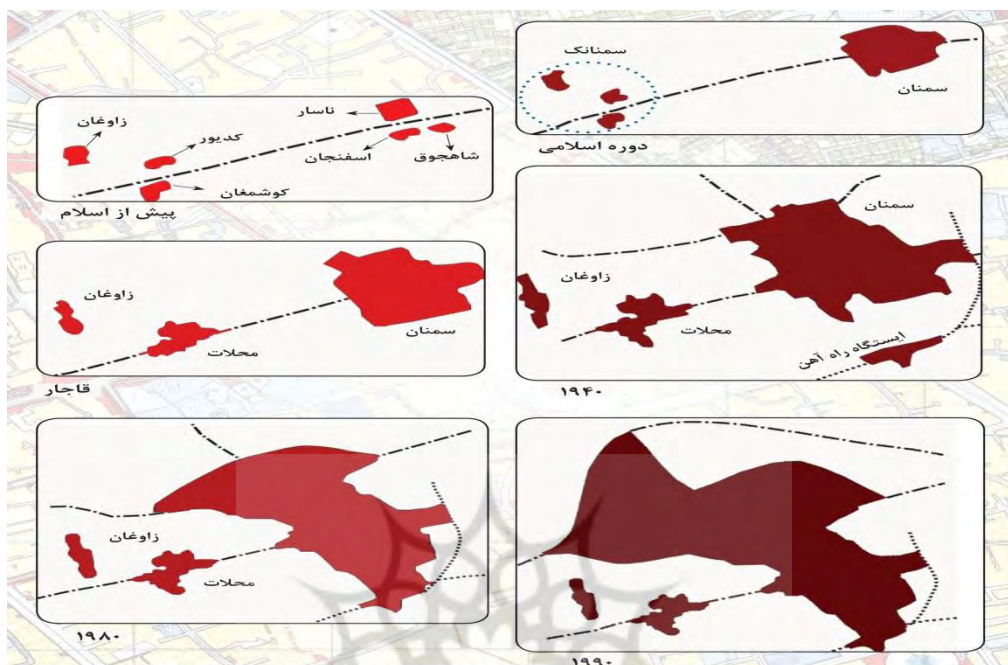
به صورت شبکه‌ای توانمند و کارآمد، پس شناخت ماهیت و عملکرد بافت تاریخی و نحوه چیدمان عناصر و سنت‌های حاکم و جامعیت آن به عنوان یک کالبد بسیار مهم می‌باشد. زیرا اقدامات موضعی به عمل آمد در واقع بر عملکرد کل تاثیر گذارده است. ایجاد شبکه در بافت تاریخی می‌بایست براساس حرکت پیاده و درونگرا باشد حال آنکه کلیه طرح‌های اجرا شده و پیشنهادی بر اساس حرکت سواره و برونگرا می‌باشد که منجر به نفوذناپذیری لبه‌ها می‌گردد.

سلول‌های یک موجود زنده در طول حیات هزاران بار تجدید می‌شوند. این تجدید و نوزایی امری الزامی است. در تنه یک درخت نیز مدام بافت‌های جدید در حال ایجاد هستند و آوندها نیز در بافت‌های جدید قرار دارند و با بافت‌هایی که توان تجدید شدند ندارند ایزوله شده سخت می‌گردند و از جریان حیات به دور می‌مانند. هرچند این بافت‌های سخت بنای استحکامند و چون بافت‌های کهن شهری هویت و عامل همیستگی و ریشه ساکنان آنند ولی از آنجایی که فرسودگی بر تمامی موجودات حاکم است در گذر ایام در صورت بی‌توجهی و مهجور ماندن فرو خواهند پاشید. هرچه اقدامات پیشگیرانه بیشتر باشد فرسودگی به تعویق خواهد افتاد. در نگرش سلولی به بافت تاریخی هم گاه تنها با جزنگری از پرداخت جامع به موضوع ممانعت گردیده و گاه در نگرش آیینی، بافت به مانند یک موجود تاکسیدر می‌شده تنها نمایشی از زندگی و حیات شهری را عرضه نموده است.

نتیجه‌گیری

عدم دسترسی به درون بافت‌های شهری منجر به ضعف پیوندها و فقدان تاسیسات زیربنایی و در نتیجه به تضعیف جریان‌ها می‌انجامد. در شهر فضاهایی که ایزوله شده در شبکه قرار نمی‌گیرد رو به فرسودگی می‌روند. جریان کالا، خدمات، سرمایه حرکت و نقل و انتقال در آن صورت نگرفته و از چرخه حیاتی شهر خارج می‌گردد و زندگی در سطح و شکل دیگری در آن به صورت گسسته و منفک شکل گرفته و گروه خاصی از اجتماع را به خود جذب می‌نماید و به صورتی تصاعدی جدایی‌گزینی اکولوژیکی اتفاق می‌افتد، کمبود سرمایه و به عبارتی انتقال و خروج سرمایه، این بافت‌ها را ضعیف‌تر می‌سازد و امکان هرگونه نوسازی، بهسازی و بازسازی را از آنان سلب می‌نماید. این بافت‌ها که به مرور پذیرای افرادی با فرهنگ‌های متفاوت و عموماً غیر بومی با ضعف اقتصادی گردیده‌اند به واقع فرهنگ و زندگی ساکنانشان را نمایان می‌سازند. لذا باید توجه داشت که چه شبکه‌هایی ایجاد شده و چه جزایری جا مانده است. باید به نفوذپذیری شبکه‌های جدید توجه داشت. آنچه که مسلم است کمبود منابع مالی ساکنین این بافت‌ها و عدم علاقه به هزینه‌کرد آنان که عموماً از اقشار پایین دست جامعه می‌باشند، لزوم مداخله دولت در بافت را ایجاب می‌نماید. لذا دیگر نمی‌توان تنها به توانمندسازی ساکنین و اعطای وام و تسهیلات بانکی بسنده نمود. از آنجایی که بافت تاریخی در شهرهای کهن بر اساس نظریه الگوی ساقه‌ای در صورتیکه همانند بافت داخلی درخت از جریان تهی گردد، غیر قابل انعطاف شده و اگر که به حال خود رها گردد این بافت‌های هویت بخش شهر از چرخه زندگی شهری خارج خواهند شد. آنچه که در بررسی شهر سمنان مشاهده می‌شود تطابق رشد شهر و همچنین فرسودگی بافت تاریخی با نظریه الگوی ساقه‌ای می‌باشد. مراحل رشد شهر سمنان در دوره‌های مختلف

تاریخی در شکل شماره ۶ و فرسودگی و خروج سرمایه ناشی از جدایی‌گزینی اکولوژیکی در شکل شماره ۷ نشان داده شده است.



شکل شماره ۶: دوره‌های مختلف توسعه شهر سمنان

منبع: مهندسین مشاور پارت، ۱۳۷۴



تصویر ۷: فرسودگی و خروج سرمایه در بافت تاریخی شهر سمنان منبع: نگارندگان، (۱۳۹۱)

در این راستا تلاش برنامه‌ریزان شهری به‌عنوان تصمیم‌سازان نحوه مداخله در بافت‌های آسیب‌پذیر می‌بایست به شناسایی جریان‌ها و تقویت نفوذپذیری این بافت‌ها معطوف تا نوزایی محقق گردد.

منابع

- آیسان، یاسمین، دیویس، یان (۱۳۸۲). معماری و برنامه‌ریزی بازسازی، ترجمه: فلاحی، علیرضا، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- باتیسته، ژان، دزر، برنارد (۱۳۸۲). شهر، ترجمه: اشرفی، علی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- پاول، کنت (۱۳۸۳). شهر فردا، ترجمه: اشرفی، علی، انتشارات سازمان شهرداریها، تهران.
- تیاللدز، فرانسیس (۱۳۸۷). ساخت شهرهای مردم‌پسند، ترجمه: قاسمی اصفهانی، مروارید، انتشارات روزنه، تهران.
- تابان، محسن؛ پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۷). بازشناسی عوامل هویت بافت تاریخی دزفول و کاربرد آنها در توسعه شهر، مدیریت شهر ۴۲.
- حبیبی، سید محسن؛ مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶). مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، کیومرث؛ پوراحمد، احمد؛ مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۶). بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، انتشارات دانشگاه کردستان، سنندج.
- حبیب، فرح (۱۳۸۲). ماهیت مسائل شهری نقش برنامه‌ریزی شهری و جایگاه شهرساز؛ مجله شهرسازی، شماره ۲ و ۳.
- رضوانی، سیدعلی اصغر (۱۳۹۳). نقش آب در روند شکل‌گیری سکونتگاه‌های انسانی در ایران، مجله شهرساز، شماره ۲ و ۳.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۸۵). فضاهای شهری در بافت تاریخی ایران، چاپ سوم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- ساوج، مایک، وارد، آلن، جامعه شناسی شهری، ترجمه: پوررضا، ابوالقاسم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- شکویی، حسین (۱۳۸۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول)، انتشارات سمت، تهران.
- شارع پور، محمود، جامعه شناسی شهری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰.
- کامیلوزیته، ساخت شهر براساس مبانی هنری، ترجمه: قریب، فریدون، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- فرزام شاد، مصطفی و عراقی‌زاده، مجتبی (۱۳۹۱). مبانی برنامه‌ریزی و طراحی شهر امن از منظر پدافند غیر عامل، انتشارات علم آفرین، تهران.
- فلامکی، منصور (۱۳۸۰). باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، انتشارات دانشگاه تهران، صص.
- فرید، یداله (۱۳۹۰). جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز.
- لینچ، کوین (۱۳۸۶). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه: بحرینی، حسین، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مهندسین مشاور ایوان نقش جهان (۱۳۸۷). طرح راهبردی بافت تاریخی شهر سمنان.
- مهندسین مشاور پارت (۱۳۷۴). طرح جامع شهر سمنان.
- معصوم، جلال (۱۳۸۳). ماهیت مسائل شهری نقش برنامه‌ریزی شهری و جایگاه شهرساز؛ مجله شهرسازی، شماره ۲ و ۳.
- میرمقتدایی، مهتاب و طالبی، زهرا (۱۳۸۵). هویت کالبدی شهر (مطالعه موردی شهر تهران). انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.